



عرفان برخاسته از تعالیم اسلام عقل و شهود را ناسازگار نمی‌داند

عرفان اسلامی نه تنها عقل را ناسازگار با شهود نمی‌بیند، بلکه آن را لازم می‌داند و آن عقلی که با عشق یا شهود ناسازگار است، عقل حسابگر جزئی مادی کوتاه‌نگر است؛ وگرنه عقل دورنگر در سازش کامل با عرفان است.

عرفان اسلامی نه تنها عقل را ناسازگار با شهود نمی‌بیند، بلکه آن را لازم می‌داند و آن عقلی که با عشق یا شهود ناسازگار است، عقل حسابگر جزئی مادی کوتاه‌نگر است؛ وگرنه عقل دورنگر در سازش کامل با عرفان است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، محمد فنایی‌اشکوری، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در نخستین نشست از سلسله نشست‌های «سومین جشنواره ملی مطالعات قرآنی دانشجویان کشور» با عنوان «مبانی و ماهیت عرفان اسلامی» که در ایکنا برگزار شد، با استناد به شواهدی چند، خاستگاه عرفان اسلامی را خود اسلام، قرآن و روایات معصومین (ع) دانست و تأکید کرد: معرفت و رؤیت قلبی کاملاً متفاوت از معرفت نظری، ذهنی و انتزاعی است و راه دستیابی بدان، اخلاص و بندگی و نه فقط تفکر نظری است و سراسر دین و سیره ائمه (ع) بر این امر مهم دلالت دارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تصریح کرد: عرفان اسلامی راهی غیر از شریعت ندارد؛ اما شریعت خود ظاهر و باطنی دارد و آن معرفت قلبی، تنها با ماندن در سطح ظاهر شریعت حاصل نمی‌شود و باید به باطن آن راه یافت؛ چنان‌که فرموده‌اند: «العلم نور یقذف الله فی قلب من یشاء؛ علم نوری است که دلی که خدا بخواهد آن را قرار می‌دهد». این علم از سنخ علوم ظاهری نیست و منوط به تهذیب نفس و اخلاص است.

فنایی اشکوری با بیان این‌که سنخ این علم متفاوت و راه تحصیل آن نیز متفاوت است، خاطرنشان کرد: اصل ایده عرفانی در دین وجود دارد، اما در طول تاریخ توسط محدودیت‌های انسانی و جهل و هوی و هوس آنها آسیب دیده است. اشتباه مخالفان عرفان (مانند سلفیه و برخی از اهل تفکیک) این است که خطاها و اشتباهاتی را در اعمال و سخنان برخی از صوفیان مشاهده می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که اصل عرفان اسلامی باطل است.

وی با تأکید بر ضرورت تمایز قائل شدن بین عرفان اصیل اسلامی و عرفان تاریخی اظهار کرد: خاستگاه عرفان ناب اسلامی خود اسلام است و عمده‌ترین خاستگاه عرفان تاریخی نیز خود اسلام است، اما این عرفان علاوه بر تعالیم اسلامی از آداب و اندیشه‌های فرهنگ‌های دیگر نیز متأثر شده و گاه خود شخصیت‌های صوفی و عارف نیز تندروری‌هایی داشته‌اند.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بیان کرد: عرفان اسلامی در طول تاریخ مانند جوی آبی است که از چشمه‌ای جوشیده و جریان یافته است. این جوی در نزدیک سرچشمه زلال و پاک است، اما در مسیر آن به تدریج چیزهای دیگری از فرهنگ‌ها و ادیان دیگر بدان اضافه شده و باید برای استفاده از آن، ناخالصی‌ها و انحرافات افزوده شده بدان را زدود و آب پایین دست را تصفیه و پالایش کرد.

وی در بیان شاخصه‌های معرفت عرفانی و روش کسب آن تصریح کرد: معرفت عرفانی، معرفتی شهودی، غیرحسی، غیرحصولی و غیرذهنی است که در آن عارف با معروف و عالم با معلوم نوعی اتصال وجودی پیدا می‌کند و راهش این است که عارف از طریق تهذیب نفس و روح، روحانی‌تر شده و با معروف نزدیک شود.

فنای اشکوری افزود: انسان باید بُعد روحانی خود را تقویت کند. تهذیب نفس برای آن است که ما هرچه از هم‌سنخی و هم‌سرشتی با عالم ماده و ناسوت فاصله بگیریم و با حقایق ملکوتی، باطنی، روحانی و غیرمادی نزدیک و هم‌سرشت شویم تا آنها را درک کنیم.

وی با اشاره به این‌که این هم‌سرشتی و تناسب وجودی از راه تهذیب نفس و تصفیه روح حاصل می‌شود، خاطرنشان کرد: انسان در این صورت با وجود آن‌که وابسته به عالم طبیعت و محبوس در بدن جسمانی است، از سنخ روحانیان و فرشتگان شده و به آنان شبیه‌تر می‌شود. بنابراین هم سنخ این معرفت و هم راه تحصیل آن متفاوت است.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: البته این موضوع بدان معنا نیست که معرفت حسی یا عقلی اهمیت و ارزشی ندارد. این یکی از

اشتباهات، کجروی‌ها و تندروی‌هایی است که در بعضی از حلقه‌های عرفانی مشاهده می‌شود. در ادبیات عرفانی ما فراوان علوم ظاهری را مذمت و عقل را تحقیر و تخفیف کرده‌اند. اما قرآن همه معارف اعم از معرفت حسی، تجربی، تاریخی و عقلانی را تأیید کرده و به جرأت می‌توان ادعا کرد که هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن به عقل اهمیت نداده است.

فنای اشکوری:

تحقیر علوم ظاهری در ادبیات صوفیانه ما بسیار اتفاق افتاده است، اما در دین ما هیچ وقت هیچ علم نافع‌ی تحقیر نشده و بلکه تشویق نیز شده است. البته باید خاطرنشان شد که این تحقیر علوم ظاهری در آثار صوفیانه گاه بدان سبب بوده که عرفا خواسته‌اند تا غرور عالمان ظاهری را بشکنند که به علم ظاهری خود مغرور نشوند. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اظهار کرد: تحقیر علوم ظاهری در ادبیات صوفیانه ما بسیار اتفاق افتاده است، اما در دین ما هیچ وقت هیچ علم نافع‌ی تحقیر نشده و بلکه تشویق نیز شده است. البته باید خاطرنشان شد که این تحقیر علوم ظاهری در آثار صوفیانه گاه بدان سبب بوده که عرفا خواسته‌اند تا غرور عالمان ظاهری را بشکنند که به علم ظاهری خود مغرور نشوند و نپندارند که علم فقط در همین عرصه منحصر می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: فلاسفه بسیار به عقل می‌نازند و مدعی‌اند که «الحکمة هی العلم بحقائق الاشياء علی ما هی علیها بقدر طاقة البشرية» و هر آن کو ز دانش برد توشه‌ای/ جهانی است بنشسته در گوشه‌ای؛ عرفا درصدد شکستن این غرور عقل هستند و به آنان یادآوری می‌کنند که اولاً این تنها علم موجود نیست، ثانیاً این علم خطاپذیر است و سوم آن‌که شناخت حصولی حتی در آنجا که خطا نباشد، شناختی ضعیف است.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: علم عقلانی به عالم علم از دور و مشاهد «عن بعد» است. همچنین این علم، علم حصولی است که در آن علم به خود اشیاء نیست، بلکه صورت و مفهومی از اشیاء در ذهن آنان است. فیلسوف و متکلم با خود اشیاء ارتباط بی‌واسطه ندارد. خداشناسی فیلسوف و متکلم مثل آن است که از دود پی به وجود آتش می‌برند. این علم، علم‌الیقین و علمی غایبانه است. اما عین‌الیقین آن است که از نزدیک آتش را ببینند و بالاتر از آن حق‌الیقین یعنی در آتش رفتن، سوختن در آن و متحد شدن است؛ همچنان که گفته‌اند: گر دخان او را دلیل آتش است/ بی‌دخان ما را در این آتش خوش است.

وی با بیان این‌که خدای فیلسوف، خدایی غایب است و از راه برهان و امکان وجوب، وجود او اثبات می‌شود، خاطرنشان کرد: اما عارف درصدد رؤیت قلبی خداوند و ارتباط عاشقانه و وجودی با اوست. بنابراین عارف درصدد نفی علم عقلی نیست و فقط می‌خواهد به فلاسفه بگوید که: علم عقلی تنها علم موجود نیست، بالاترین علم نیست، خطاپذیر است و علم دیگری وجود دارد که بالاتر از آن است.

فنای اشکوری تصریح کرد: با همه این‌ها تا عقل نباشد، عرفان نیز معنا پیدا نمی‌کند و اگر عقل را کنار بزنیم، جایی برای دین نخواهد ماند. عده‌ای از فیدئیس‌های مسیحی (ایمان‌گرایان) برای آن که ریشه دین را تقویت کنند، عقل را کنار زدند. چون عقل با برخی از اصول و آموزه‌های دینان مسیحی – از جمله تثلیث و... – ناسازگار است. عده‌ای از عرفا و صوفیان نیز مدعی شدند که برای رسیدن به عشق و عرفان، باید عقل را کنار نهاد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: عرفانی که از تعالیم اسلامی درمی‌آید، نه تنها عقل را ناسازگار با عرفان نمی‌بیند، بلکه آن را لازم می‌داند و آن عقلی که با عشق ناسازگار است، عقل حسابگر جزیی مادی کوتاه‌نگر است؛ عقل دورنگر با عشق دعوایی ندارد و در سازش کامل است.

فنای اشکوری در تبیین علوم عرفانی و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها اظهار کرد: در کنار حقیقت عرفان، علوم عرفانی را نیز داریم. عرفا یافته‌ها و تجربه‌های باطنی و درونی خود را بیان کرده‌اند و آن بیانات را جمع، تنظیم و تدوین کرده و به صورت علم درآورده‌اند؛ علمی که در کتاب گنجانده شده و قابل تعلیم است.

وی ادامه داد: در تاریخ اسلام از جمله علوم‌ی که تأسیس شد، علم عرفان است که شاخه‌های مختلف دارد و مهم‌ترین آن‌ها عرفان نظری و عملی است. عرفان نظری آن است که از شهودهایی توصیف شده توسط عارفان یک جهان‌بینی ارائه کنیم. عرفان نظری علمی است که در شهودهای عارفان تأمل کرده و بر مبنای این شهودات نظام فکری می‌سازد و جایگاه خدا، هستی، جهان و انسان را در این نظام فکری مشخص می‌کند.

این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: عرفان نظری یک نظام معرفتی بکر مانند فلسفه است؛ با این تفاوت که فلسفه از بدیهیات عقلی آغاز کرده و با استدلال به پیش می‌رود، اما عرفان نظری از شهودهای گزارش شده عارفان آغاز می‌کند و نظامی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی بر پایه شهودهای عرفانی گزارش شده ارائه می‌کند. کسی که بیشترین نقش را در عرفان نظری در

تاریخ اسلام داشته محی‌الدین ابن عربی است، البته پیش‌تر از او عرفان نظری به صورت ناقص‌تری در آثار امام محمد غزالی و عین‌القضات همدانی نیز به چشم می‌خورد.

وی عرفان عملی را دانش سیر و سلوك خواند و اذعان کرد: عرفان شهود حقایق باطنی عالم است که از راه تهذیب نفس و سیر و سلوك حاصل می‌شود. علم عرفان عملی قواعد و مقررات سیرو سلوك برای رسیدن به شهودات را فرمولیزه و تنظیم و تدوین کرده و نقطه شروع انسان و مراحل و منازل و مقامات و مهالك و خطرات راه را نشان می‌دهد. مسیر و جغرافیای این سیر با استفاده از تجربیات عرفا در عرفان عملی ترسیم می‌شود.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره):

عرفان اسلامی در طول تاریخ مانند جوی آبی است که از چشمه‌ای جوشیده و جریان یافته است. این جوی در نزدیک سرچشمه زلال و پاک است، اما در مسیر آن به تدریج چیزهای دیگری از فرهنگ‌ها و ادیان دیگر بدان اضافه شده و باید برای استفاده از آن، ناخالصی‌ها و انحرافات افزوده شده بدان را زدود و آب پایین دست را تصفیه و پالایش کرد. فنای اشکوری خاطر نشان کرد: نکته‌ای که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد، این است که عرفان عملی و عرفان نظری به عنوان علم، خود عرفان نیست؛ یعنی با خواندن و تدریس این‌ها انسان عارف نمی‌شود، بلکه عارف کسی است که آن راه را طی کرده و به آن معرفت شهودی رسیده است. برخی با وجود علم به عرفان عارف نیستند و گاه ممکن است کسی بی‌سواد و بی‌خبر از اصطلاحات عرفانی، اما عارف واقعی باشد.

وی افزود: علم عرفان تأملاتی است که بر روی زندگی، شخصیت و تجربه‌های عارف انجام می‌دهیم، اگر این تأمل درباره یافته‌های عرفانی باشد، حاصل آن عرفان نظری و اگر درباره سلوك، مسیر، منازل و موانع راه عارف باشد، عرفان عملی است. عرفان علمی(نظری) و عملی برای کسی که می‌خواهد در این مسیر گام بردارد، مفید است؛ چنانکه برای محجوبانی که از آن عوالم محروم هستند، نیز خالی از لطف نیست، اما خطر در اینجا است که انسان با داشتن علم عرفان(عملی یا نظری) گمان کند که خود آن را نیز دارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار کرد: در علم عرفان نظری ما از منابع مختلفی استفاده می‌کنیم. علم عرفان نظری تحلیل شهودهای عرفانی است و ما در آن از تحلیل فلسفی و عقلی، آیات و روایات و نیز از تجربه‌های شهودی عرفا استفاده می‌کنیم.